

ساخت که با بودن این جوانان محصل (واشاره به جمعیتی از تماشاچیان نمود) چراما کارهای دولتی را مراجعه به خارجه و تبعه خارجه می‌کنیم؟ برای ترویج علوم و معارف بهتر از این چیزی نیست که این جوانان فارغ‌التحصیل را در ادارات دولتی داخل کنیم و نیز باید خط و زبان فارسی [را] که زبان ملی ماست؛ ترویج نمائیم.

حضرات تماشاچیان از نطق سعدالدوله خیلی تمجید نموده و هواخواهان سعدالدوله امروز زیاد شدند. صنیع الدوله رئیس مجلس گفت: مغرضین و مفسدین و مستبدین و منافقین وجود اختلاف کلمه بین دولت و ملت را در میان مردم منتشر کرده‌اند، باید طوری کرد که این شبهات از انظار مردم رفع شود. دولت و ملت را یکی بدانند، مثلاً هنوز ولیعهد نیامده اظهار می‌دارند که ضد مجلس است و مجلس منافی با قانون دولت است و حال آنکه رقعتهای که به آقای آقا سیدعبدالله نوشته بودند حاضر است که چه اندازه اظهار همراهی کرده‌اند. در این موقع دستخط ولیعهد را گرفته قرائت نمودند. صدای «زنده باد ولیعهد» از تمام حضار بلند؛ و همه با خرسندی خاطر، سلامت و سعادت وجود ولیعهد را از خدا خواستند و صورت آن رقعته از این قرار است:

سواد رقعته ولیعهد به آقای آقا سیدعبدالله

بعد العنوان - بعد از استعمال از سلامت مزاج شریف، زحمت می‌دهد:

از قراری که شنیدم از تبریز کاغذی به جناب عالی نوشته‌اند که ولیعهد مخالف با عقاید ملت است و مجلسی را که بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی ارواحنا فدا داده‌است، ولیعهد قبول ندارد. اولاً به ذات مقدس پروردگار قسم است که این مطلب بکلی خلاف وی اصل است، و من از خدا می‌خواهم که ان شاء الله این دولت و ملت ترقی کرده و رفع این مذلت‌ها بشود. ثانیاً به سر جدت قسم اگر آدمی به عتبات فرستاده باشم. تصور نمائید اگر من آدمی به عتبات فرستاده باشم در پرده نخواهد ماند و آشکار خواهد شد. برای چه؟ چرا باید من مخالف این عقیده و منکر آبادی مملکت باشم؟ ثالثاً از شخص شما تعجب دارم چرا این خیال و این تصور را نسبت به من نموده‌اید و چرا این کاغذ را باور کرده‌اید؟ مگر خودتان آن اشخاص مغرض را نمی‌دانید؟ این سهل است، هزار از این اقدامات در علیه من می‌نمایند، شما چرا باید باور کنید؟ و خواهش دارم سایرین را هم خودتان اطلاع بدهید که بدانند این تهمت است و منتظر جواب این کاغذ هستم. زیاده زحمت ندارد.

وقایع

ماه ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴

دوشنبه غرة ذی القعدة ۱۳۲۴ هجری - امروز مجلس تعطیل است . حضرت اقدس والا ولیعهد شاهزاده محمد علی میرزا امروز وارد شده اند . اعلی حضرت اقدس شاهنشاه مظفرالدین شاه هم ، مرض ایشان در تزیید است . درباریان پیوسته فرامین و دستخط صادر می کنند و به صبح و امضاء شاه می رسانند . از طرف ولایت عهد نسبت به وکلاء و مجلس هنوز اقدامی نشده است .

سه شنبه دویم ذی القعدة سنه ۱۳۲۴ هجری - مذاکرات مجلس در خصوص تلگراف به ولایات و تعجیل در فرستادن وکلاء بود . و نیز درباره ورود ولایت عهد ، و دیدن وکلاء از ایشان مذاکره شد ، و نیز بعضی لوایح قرائت شد که ذیلاً درج می شود ، و نیز در باب شبنامه ها و اوراق مطبوعه مذاکره شد که جلوگیری نمایند و اگر کسی ایرادی بر وکلاء دارد در روزنامه ها بنویسد تا جواب اوداده شود . و نیز لایحه ورودیه ولیعهد را که آقا سید نصرالله نوشته بود ؛ قرائت گردید و اشخاص ذیل را معین کردند که دیدن نمایند از ولیعهد و لایحه را هم با خود ببرند در حضور ولیعهد بخوانند و چند نفر معین شدند که فردا از طرف مجلس بروند صورت اشخاص مزبوره از این قرار است : جناب آقا میرزا محسن - جناب حاجی سید نصرالله - وثوق الدوله - سعد الدوله - اسدالله میرزا - حاجی امین الضرب .

امروز تلگرافی از بادکوبه مخابره شد و در مجلس شورای ملی قرائت شد . صورت آن از این قرار است :

تلگراف از بادکوبه

از بادکوبه به تهران . وکلای دارالشورای ملی از شنیدن رد استقراض از خارجه و تأسیس بانک ملی ، عموم ایرانیان مقیمین بادکوبه نهایت تشکر را دارند . آفرین بر همت و غیرت و وطن دوستی و ملت پرستی و دولتخواهی شما نمایندگان صادق ملت . از مساعی جمیله و اقدامات خیرخواهانه شما امیدوار چنانیم که

به اندک توجه مات فرسوده ایران از تمدیات بی اندازه و ظلم‌های فاحش کوناگون بعضی از دارندگان القاب بی وقوف و اختیارداران بی علم فراغت و آسودگی حاصل نموده؛ خاک پاک وطن عزیز که مأمّن و پناهگاه ما ایرانیان و طور امان نجات ما پرشکستگان و اجساد نیاکان ما مظلومین متفرق شدگان در آن مدفون است؛ از تو (۱) شاد و آزاد گردد. که قدیم ایرانیان جلای وطن کرده از صمیم قلب عرض تبریک نموده و با کمال ادب اظهار می‌نمائیم: در راه شما و کلای ذیحق ملت و پیشرفت مقاصد و افکار عالیة شما که هیئت ملت و یا ملک اعظم منظور است به جان و مال حاضریم. زنده باد شاهنشاه حریت بخش. پاینده باد ملت نجیب قدیم ایران (انجمن خیریه ایران، بادکوبه).

جوایی هم از طرف مجلس به مضمون ذیل نوشته و مخابره گردید که صورت آن از این قرار است:

جواب تلگراف بادکوبه

بادکوبه، انجمن خیریه ایران - تلگراف تبریک عموم وطن پرستان نجیب با وفا، که مبنی بر ملت پرستی و دولت خواهی و صرف جان و مال بود، عز و صلوات بخشید و در مجلس شورای ملی قرائت گردید. عموم و کلای محترم از صمیم قلب و نیکی فطرت (۲) و اصالت و ملت خواهی آن انجمن محترم را بر عموم تبریک و تهنیت می‌گویند و از این خیر خواهی برادران عزیز محترم خود نهایت تشکر را می‌نمایند (مجلس شورای ملی ایران).



امروز شرحی از طرف وزارت خارجه راجع به واقعه حادثه در کربلا که عساکر عثمانی شلیک [کرده بودند] بر ایرانی‌ها، که متحصن شده بودند به قونسلخانه انگلیس در باب اجحافی که به آنها شده بود، به مجلس آمده به این مضمون در فقره رعایای ایرانی در کربلا اظهار کرده بودند، که:

والی بغداد و متصرف کربلا معزول شدند و کمیسیون هم در این باب از طرف دولت عثمانی مقرر شده برای تحقیقات و رسیدگی این امر چون مطلب هنوز ناتمام بود لذا تصدیق نشد و نتیجه اقدامات را بدها اطلاع خواهیم داد. چهارشنبه سوم ذی القعدة ۱۳۲۴ - امروز تعطیل مجلس است منتخبین مجلس امروز حضور حضرت اقدس والا ولیعهد رفته و از طرف مجلس تبریک و تهنیت ورود ولیعهد را عرضه داشتند، حاجی سید نصرالله لایحه ورودیه را که انشاء کرده بود؛ از جانب مجلس و هیئت

و کلاء قرائت نمود. لایحه مزبور حاوی اظهار تشکر از مرحوم ملوکانه در تأسیس مجلس شورای ملی و مساعدات کامله و ولایت عهد در این موضوع و بیان فواید مادی و معنوی تأسیس مجلس برای کسب سعادت و پیشرفت ترقی و شوکت سلطنت و اصلاح و آبادی مملکت بوده است.

نطق حضرت والا ولیعهد در جواب این بود؛ یعنی مضمون آن و خلاصه آن از این قرار است:

[نطق ولیعهد]

بر هر شخص عاقل مسلم و مبرهن است که بنیاد اساس ترقی و تفوق و آبادی هر یک از ملل و ممالک متمدنه عالم ایجاد اتحاد حقیقی بین دولت و ملت بوده است و این اساس مستقر و مستحکم نمی شود مگر به انعقاد مجلس ملی که قوه جامعه بین دولت و ملت است. و حال آنکه بحمد الله اعلی حضرت شاهنشاهی بر حسب فطرت مقدس و رأی جهان بین اساس این مجلس را به ملت مرحمت فرمودند من هم با نهایت میل و اقبال خاطر با پیشرفت این مشروع و مقصود همراهی و مساعدت دارم چنانچه از بدایت امر هم داشته ام و برای ترقی مملکت بهتر از این اساس وسیله و راهی نمی بینم. لکن مجلس هم خوب است با کمال جد و جهد مشغول کار و در مقام انجام وظایف خود بوده و با منتهای دقت و مراقبت و سعی به اصلاح نواقص پردازند و در ادای تکلیف خود کوتاهی و غفلت نکنند. در خصوص نظامنامه هم قدری از آن را ملاحظه کرده ام؛ باقی را هم با حضور حضرت والا نایب السلطنه و جناب صدراعظم ملاحظه می کنم و پس از اتمام به مجلس می فرستم.

حضرت والا نایب السلطنه و جناب عضد الملک هم در مجلس [حضور] داشته اند و منتهی درجه همراهی و حمایت را در باره لزوم مجلس و تقویت اساس آن نموده اند. روز پنجشنبه ۴ ذی القعدة ۱۳۲۴ - امروز مذاکرات دارالشورای ملی در چندامر بود: اولاً - تلگرافات متوالیه متواتره از شهرها مخابره شده است که حکومتها مانع از امر انتخاب می باشند و نمی گذارند مردم و کلاء خود را منتخب نمایند. و قرار شد از طرف مجلس چیزی به صدراعظم بنویسند. ثانیاً - در باب انتخاب اعضاء کمیسیون مالیه گفتگو شد و جمعی منتخب شدند. ثالثاً - اظهار تشکر از مرحوم حضرت اقدس والا ولیعهد نموده و صدای زنده باد ولیعهد بلند شد. رابعاً - در باب اعلان وزارت پست که به خط روسی نوشته است و حق الضمانه را تومانی سه شاهی قرار داده. خامساً - امتیاز بالیا نازوف در باب صید ماهی حرام، حاصل نتیجه: نوشتن به صدراعظم. سادساً - مطالبه نظامنامه را از دولت، حاصل آن که: ولیعهد فرموده اند که قدری از آن خوانده شده مابقی هم خوانده می شود. سابقاً - جلوگیری از شرارت الواط و منع آرامنه را از فروختن مسکرات.

چون امروز ازدحام و کثرت تماشاچی‌ها فوق‌العاده شده به طوری که اسباب مزاحمت همدیگر و وکلاء گردیده بودند؛ قرار شد بعد از این بلیط ورود بدهند که به اندازه جا و وسعت مکان تماشاچی وارد شود و این بلیط را اگر وکلاء بخواهند به ایشان بدهند که آنها به هر کس که صلاح دانند بدهند و قرار شد به هر یک بیش از دو بلیط ندهند .

[احاطهٔ امورات دولتی به ولیعهد]

امروز امورات دولتی راجع به ولیعهد گردید که بملاوهٔ ولایت‌عهد ، نایب‌السلطنه هم باشد و دستخطی در این امر صادر گردید که ذیلاً درج گردید [می‌گردد] .

سواد دستخط همایونی

ولیعهد ! بعد از احضار شما به تهران اگر چه بحمدالله حالمان خیلی خوب و رو به بهبودی است ؛ ولی نظر به اینکه رعایت و ترتیب معالجه قهراً مستلزم آسایش خاطر همایون است ؛ به موجب این دستخط مقرر می‌فرمائیم که از این تاریخ به بعد با اختیارات تامه که دارید همه روزه در تمام امورات از روی کمال دقت و مراقبت شخصاً رسیدگی و مذاقهٔ تامه به عمل آورده ؛ با اطلاع جناب اشرف صدر اعظم قرارهایی که لازم است در نظم امورات و رسیدگی مطالب و مهمات مملکتی قرین اجری دارید . فی ۴ شهر ذی‌القعدة ۱۳۲۴ .

امروز مردم از جهت مخالفت ولیعهد با این اساس هیجانی دارند ولی حضرت اقدس والا در جواب خطابهٔ ورودیه که وکلاء در حضور ایشان خوانده بودند نهایت مساعدت و همراهی را ظاهر ساخته بودند و ما صورت خطابه را در این مقام درج می‌نمائیم :

خطابهٔ ورودیهٔ حاجی سید نصرالله

در حضور ولیعهد

بسم الله الرحمن الرحيم - ورود ظفر نمودم و کب مسعود را از جانب عموم ملت با نهایت شرف و افتخار تبریک خالصانه و تهنیت صادقانه تقدیم می‌نمائیم و از این عواطف خسروانه و عنایات کاملهٔ شاهانه که به یک تحریک انامل فیض شامل مملکت را حیات تازه بخشید و اساس سلطنت را بر بنیان قویم (۱) نهاد و قواعد عدل جهان‌بنانی را در این خانواده مؤید داشته ؛ این سعادت را موافق مأمول جمهور در دودمان ابد تومان (۲) تا دامنهٔ قیامت موصول و مخلد فرمود ؛ شکر گزاریم و در برابر این نعمت جهان قیمت از خداوند جل شأنه توفیق می‌طلبیم که به تقدیم خدمت و پاس حقوق ولی نعمت بهره‌مند شویم و تکمیل امر را از زمین همت والا نهمت خواستاریم

که اقدامات خالصانه ملت را با نواخت ملاطفت نشانه تلقی فرمایند و به حسن قبول بپذیرند و اتمام احسان پدرتاجدار مهربان را در رفع موانع و جلب مقنضیات تقویت فرمایند و عرایض دولتخواهانه و مستدعیات صداقت نشانه را مشوب به هوی و غرض صور نفرمایند که مقصود جعلگی یکی است و منظوری جز خیر دولت و ملت در میان نیست و اهم مستدعیات آن است که هیچ وقت به اصغاء اهل دسیسه که بر خلاف صلاح و سوسه می کنند خاطر انور را مکدر ندارند و همواره در این گونه اظهارات رأی حقیقت نمای خود را حکم دانند . چه نظری که صاحب خانه را در صیانت خانه خود در کار است حواشی را نیست که آنها را غرضی دیگر هست و صاحب بیت را مقصودی دیگر . امروز مشفق امین و عاقل صدیق عاقبت بین کسی است که دولت و ملت را به جهت جامعه اتحاد و اتفاق دعوت کند و به جد تمام ماده اختلافات و نفاق را از بین مرتفع سازد؛ نتایج خیریه موافقت را چنان خاطر نشان جانبین کند که هر يك از آحاد رعایا در مقام تعظیم لوای مهر اعتلای سلطنت از جان و دل کوشش کنند. شرف و عزت خود را تابع ازدیاد شوکت و عظمت دولت دانند و عواقب و خیمه مخالفت را آن گونه ظاهر و آشکار نمایند (۱) که هر کدام ضعف و انکسار دیگری را خواری و هوان خود پندارند. اعدای عدو دولت و ملت آن کس است که مابین این دو را تفرقه نهد ، هر يك از آنها را بر ضدیت و مباغضت دیگری تحریص و تشجیع کند . البته بر خاطر خطیر حقانیت تخمیر پوشیده نیست؛ کسانی که در این تمادی اوقات به خبط یا به خیانت موافق میل و ارادت خود ، مملکت را ویران و رعیت را پریشان کرده اند هیچ گاه به قصور یا تقصیر خود معترف نمی شوند و هرگز راضی نخواهند بود که دیر و یا زود تجاوزات آنها موقوف و تصرفاتشان محدود شود و از آن جا که همیشه به ملازمت حضور سرافرازند تواند بود که همه روزه به زبان چاپلوسی عرایض خلاف اظهار کنند ؛ خود را دولتخواه و ملت را فتنه جو و خودخواه قلم دهند . لکن چیزی که مایه امیدواری است همین است که جلیل و دقیق امور بر ضمیر منیر مخفی و مستور نیست . مراتب دولتخواهی این گونه مردم از مراجعه به خدمات سابقه معلوم و عرایض امروزه آنها بر خلاصه اعمال گذشته معطوف خواهد بود . مثلاً و انمود می کنند که در وضع قانون اساسی و اجرای امور از روی قواعد ملی دولت ضعیف و مسلوب الشرف یا ملت جبری و غالب الطرف می شود . رد و قبول این قول از مقایسه وضع حالیه ایران بر (۲) دول اساسیه و متمدنه خاصه دولت جوانبخت ژاپون به آسانی ظاهر می گردد . یا این که امروز بعد از تأمل در جمیع وجوه

محتمله یافت می‌شود که احبای این مملکت و تقویت بنیان سلطنت منحصر بدو وضع اساس صحیح و جذب قلوب عموم ملت است. در حقیقت آخرالدواء همین است و هر کس خاطر همایونی را به‌غیر این طریق متوجه کند دشمن است نه دوست، خائن است نه دولتخواه و امین. کدام خیانت از این بالاتر می‌شود! ملت ضعیفی که با همه ضعف و نا توانی به طیب خاطر حاضر است بضاعت مزجاء خود را نقد کند و رفع حاجت فعلی ولی نعمت خود را متعهد شود که زیاده بر این مقاصد دولت پایمال اغراض داخله و دستخوش نیات خارجه نگردد؛ لازال دولت را بر تهدید و انداز و بلکه بر شکنجه و آزار او ترغیب و تحریض کنند و در این شکار خانگی خود را جان نثار و خدمتگزار جلوه دهند. الحق این دشمنان دوست نما می‌خواهند این نام نیکی را که از این خانواده به تمام دنیا منتشر گشته و پس از تهنیتی که از ممالک معظمه به این دربار معدلت مدار آمده خدای نخواست به وسوس اغراض و دسایس امراض تصبیح کنند و این هشت رعیت غیرتمدن باوفا را یکباره از موالی خود مأیوس و ناامید سازند. رجاء واثق کافه خلائق آن که همیشه امور معروضه را با فکر دوربین از خاطر الهام مظاهر بگذرانند بعد از دقت تمام و ملاحظه صلاح حال و مال بر طبق آنچه صواب دانند فرمان دهند.

| | |
|----------------------------------|------------------------------|
| خداوندا تو آگاهی که مارا | چه بوده است از شنشه در تمنا |
| نکرده جز صلاح ملک و ملت | تقاضائی ز شاهنشه رعیت |
| چو شه (۱) بر بندگان از راه احسان | عطا فرمود این مقصود شایان |
| تو نیز اورا خداوندا شفا بخشی | به عجز ما نگر اورا به ما بخش |
| ز رنج آزاد فرما جسم و جانش | ز خسرو زاده خرم کن روانش |
| قوی کن پشت و بازویش ز فرزند | دو چشمش روشن از دیدار دلیند |
| مبادا ملک ایران را ز شاهان | بجز زین خاندان هرگز جهانیان |

بعد از خواندن (۲) این مقاله حضرت اقدس والا قول داده اند که نظامنامه را به صحه مبارك برسانند.

جمعه پنجم ذی القعدة ۱۳۲۴ - امروز حجج اسلام از ولیعهد دیدن فرمودند و از طرفین اظهار دوستی و یگانگی بعمل آمد و نیز ولیعهد به اشاره و کنایه رسانید که هنوز بعضی از درباریان میل به مشروطیت ندارند و خاطر اعلیحضرت را از مساعدت و معاونت مکدر می‌سازند. امروز تلگرافی از کرمان رسید که: فرمانفرما ده هزار تومان به بانک ملی داده است و مطالبه نظامنامه انتخابات را نموده و مجلس نظار هم تشکیل گردیده. اختلافی هم میان علماء کرمان در مسئله انتخاب پدید آمده است. در سایر شهرها هم در میان طایفه

علماء در مسئله انتخاب وکیل خود نزاع و اختلاف پدید آمده است. امروز مخبر دیوان پیشکارفرمانفرما عبدالحسین میرزا آمدن نزد داعی و گفت شاهزاده فرمانفرما تلگرافی حضوری توسط من به شما مغایره کرده است. صورت تلگراف را ارائه داد. حاصل آن این که: «مخبر دیوان! به جناب ناظم الاسلام بگوئید آقا میرزا محمود مجتهد کرمان اصرار دارد مجدد الاسلام را وکیل نماید و مناسب این است اسبابی فراهم آورم که شما هم وکیل شوید». بنده جواب دادم: «اولاً - من نزدیک به بیست سال است از کرمان بیرون آمده‌ام و از امور کرمان اطلاعی ندارم؛ ثانیاً - این که انتخاب وکالت باید از روی واقع و صحت باشد نه به اسباب چینی شما. به حضرت والا تلگراف کنید از محبت شما ممنون شدم؛ ولی وکالت را قبول نمی‌کنم. اگر مردم راضی باشند و شما هم مایل باشید برادر من شمس‌الحکماء را وکیل کنید که هم برای خدمت به ملت خوب است و هم زبان خارجه را می‌داند و هم ضمناً دیدنی از من می‌کند».

شنبه ششم ذی‌القعده ۱۳۲۵ - مذاکرات امروز مجلس از این قرار است: «اولاً - در باب امتیاز نامه بانک ملی. ثانیاً - در باب نظامنامه داخلی مجلس. ثالثاً - در باب وزارت پست راجعاً - نطق مفصلی آقا سید حسن تقی‌زاده که از جمله وکلای آذربایجان است نمود. چون خالی از اهمیت نیست در این موقع درج می‌شود؛ اگر چه خارج از وظیفه تاریخ ماست و صورت آن از این قرار است:

نطق تقی‌زاده در مجلس شورای ملی

مجلس ما خیلی ناقص است و بدتر آن که در راه ترقی و تکمیل هم نیست؛ چه اگر دول و ملل عالم و ترقی و تنزل آنان را مقیاس قرار داده و تقسیماتی با درجات اعلی و درکات اسفل ثبت کنیم؛ چون از صفر بالا رویم؛ پله پله از درجات ترقی ملل صعود کنیم می‌رسیم به دول منظمه قانونی چون روس و عثمانی و چون از آن بالا رویم به دول مشروطه اطریش و آلمان و انگلیس و از آن بالاتر به دولت فرانسه و سویس و امریکا می‌رسیم که رفته رفته نواقص کمتر می‌شود و اغلب اصلاح شده و در آن درجات اعلی بازمی‌بینیم که نسبت به خودشان نواقص دارند که پارلمنت‌های ایشان مشغول اصلاح آن هستند، ولی چون در عالم هم (۱) از آنها نیز بگذریم و دولتی فرض کنیم که آن نواقص هم در آن رفع شده باشد. بالجمله به حد که مال نوع بشری رسیده باشند. چون این دولت را معکوس کنیم دولت و ملت ما خواهند شد؛ همان‌طور که از قلب مناره چاه پدید آید. چون این نقائص فوق‌العاده خود را دیدیم باید از راه ملت پرستی به رفع آنها بکوشیم و به اصلاح آنها همت بگماریم و نباید غیرت آنها را بکشیم به آن معنی که

غیرت را در ایران استعمال می‌کنند که عیب ناکفته بماند و ما غیرت آن را بکشیم و بر خودمان رجز بخوانیم و خود را گول بزنیم. پس با این همه نواقص ما وقت و ماکه باید همه را اصلاح کنیم و چشم امید جمیع ایرانیان داخله و خارجه بدین مجلس دوخته شده؛ اصلاح جمیع معایب و رفع جمیع نواقص را از ما می‌خواهند. چون می‌دانید که پیش از این در صدی نود، ملت ما از معایب ایران به کلی غافل بوده؛ وضع خود را بهترین وضع‌ها می‌دانستند چون روستائیان و عوام. و در صدی ده عبوب را می‌دانستند ولی امیدگامی برای رفع آنها در نظر نداشتند و ما یوس و ناامید نشسته بودند. بعد از این انقلابات اخیر که این مجلس نتیجه آن‌ها شد، گل‌های امید در قلوب مردم از دور نزدیک شکفته گردید و امیدگامی پیدا شد. این است که انتظار تمام ملت و ایرانی‌ها به سوی این مجلس معطوف است. پس برخلاف کلمه منحوسه و حالاً زود است، که در لسان مامعومول است؛ وقت ما پر قیمت و گرانبه‌است به حدی که با کمال جرأت می‌توانیم بگوئیم که وقت مجلس مبعوثان ما گرانبه‌ترین اوقات دنیاست و هر دقیقه اش از قیمت معادل دو سال وقت پارلمان‌های فرانسه و انگلیس است ولی با وجود این پر قیمت بودن من نمی‌دانم که اگر شش ماه از این وقت گرانبه‌ها را صرف تکمیل خود مجلس و شرایط اساسی آن بکنیم که جامع‌الشرایط باشد و نتیجه بخشد و به عمیده من برای آن که ما اول مجلس خودمان را مجلس بکنیم و بعد به کارهای دیگر که مجلس باید تصفیه نماید پردازیم از چهار فقره ناچاریم:

اولاً - اجراء نظامنامه داخله مجلس است که چون در ماده ۳۷ در آن ذکر شده که هر يك از وكلاء حق دارد که اگر برترك فصلی از فصول آن مطلع باشد بر رئیس اخطار کند و من به حکم همان ماده اخطار می‌کنم که این نظامنامه از سر تا پا متروک است. (در این وقت نظامنامه را بیرون آورده و انگشت را بالای آن گذاشت) چنان که وقت انعقاد مجلس معین نیست و ما که از ولایات دور برمی‌خیزیم و به این‌جا برای این کار می‌آئیم، حق ما وکلای ولایات در میان تلف می‌شود زیرا که ممکن است در وقت تشکیل این مجلس شما آقایان عصرها پس از فراغت از کارها مجالسی تفنناً فراهم بیاورید و حالا این را هم مثل آن‌ها حساب می‌کنید. ولی ما نمی‌توانیم که از راه دور به واسطه همین کار آمده در اینجا معطل شویم. مختصر آن که باید وقت انعقاد مجلس و حضور وکلا در ساعت سه یا دو و یا يك هر کدام باشد معین شود که در آن ساعت و دقیقه تمام وکلاء در اطاق انتظار حاضر شده در سر موعد زنگ زده همه يك دفعه در اطاق مجلس داخل شده و هر يك در جای معین و صندلی نمره‌دار خود

قرار گیرد؛ پس از آن رئیس مجلس افتتاح مذاکرات را اعلان کند و مطلبی را که پیش از وقت در مجالس سابقه معین شده طرح نماید . پس از آن هر و کیایی که در آن مطلب بحثی دارد و نطقی حاضر کرده از جای خود بلند شده و از رئیس اذن بخواهد؛ رئیس هم ده دقیقه یا یک ربع یا هر قدر صلاح بداند بر حسب اقتضا اذن تکلم می‌دهد آن شخص از جای خود براه افتاده می‌رود تا روی آن عرشه مخصوص که برای این کار است ؛ یعنی برای نطق ناطقین و خطابه خطبا معین است ، در آنجا قرار می‌گیرد و در همان مدت مطلب خود را بدون آن که از آن موضوع خارج بشود می‌گوید و در اثناء نطق او کسی دیگر حرف نمی‌زند، همه ساکت گوش می‌دهند؛ بعد از اتمام او بجای خودش برگشته؛ دیگران برخاسته در همان موضوع صحبت می‌کنند ؛ تا وقتی که نتیجه مذاکرات به جایی منجر بشود؛ آن وقت رئیس بعد از گرفتن آراء قطعنامه صادر می‌کند. ولی در تمام آن مباحثات نباید هیچ ناطقی از آن مطرح خارج بشود. و در ساعات معین اجزاء مجلس بر حسب اعلان رئیس پراکنده می‌شوند و تمام این ترتیبات با جزئیاتش اهمیت زیاد دارد که بی‌وجود یک جزء از آن‌ها کار مختل می‌شود و مجلس اگر چندسال منعقد باشد نتیجه نمی‌دهد. مثل مجالس سابقه ما که در این شصت سال گذشته مهمل واقع شده و نتیجه‌ای جز اغتشاش امور نداد. البته می‌دانید که این وضع اداره این مجلس و این اسمی که برای شکل حکومت ما گذاشته‌ایم در کتب سابقه ما از قدیم نبوده ؛ اگر چه شریعت مطهره ما به کلیات عدل و انصاف و مشورت امر فرموده ولی جزئیاتش به این وضع که حالامی خواهیم غیر معین است؛ ولی می‌خواهم بگویم که این مشروطیت رادرجاهای دیگر دنیا با زحمات چندین ساله اختراع کرده‌اند. چون هر چیز اختراعی را بخواهیم از مأخذش برداریم باید با تمام جزئیات و آلات آن برداریم؛ و اگر ماساعت را بخواهیم برای تعیین وقت قبول کنیم و لکن یکی از چرخ‌های آن را بگذاریم کار نخواهد کرد و نتیجه که تعیین وقت است به عمل نخواهد آمد و در این موارد عدم به از وجود ناقص است که ضرر مالی خواهد داشت.

دویم - احضار و کلاهی ولایات است که بعد از مرتب شدن نظامنامه مجلس باید در این امر بکوشیم . زیرا که حکام که تجدید مدت یک لحظه از دوره استبداد خود را صرفه خویش می‌دانند؛ در این کار مسامحه کلی و مخالفت باطنی دارند . مثل شخصی که پیش صراف وجهی داشته باشد و به کسی دیگر بدهکار بشود و بخواهد هر قدر ممکن است به پطفره و دفع الوقت طلبکار را دفع کند که اقلًا یک روز پولش پیش صراف بماند تنزیلش بیشتر باشد . باید حکماً از این جا